

سازمان آموزش و پرورش استان یزد
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان طبس

موضوع:

زندگی پس از مرگ

دبیران راهنما:

علی مرادی، حبیب حسن زاده

گردآورندگان:

مهدی گندم زاده، رضا صفری و محمد امین عزیزمقدم

(دانش آموزان سال اول دبیرستان)

نشر الکترونیک از کتابخانه مجازی ایران

www.IrPDF.com

سال ۱۳۸۸

تقدیم به ...

آنانکه علم را ارج نهادند

و عالم را بر صدر نشانند،

و خورشید را بر علم می تابانند.

تقدیر و تشکر

باسپاس فراوان از آقای مرادی مدیر مدرسه راهنمایی پسرانه شهید رجایی و آقای حسن زاده معاونت سابق پرورشی مدرسه راهنمایی نمونه دولتی فردوسی که در مدتی که ما در حال تهیه این تحقیق بودیم ، راهنمایی هایشان را از ما دریغ نساختند و سپاس گذاریم از والدین عزیزمان که امکانات لازم را در اختیار ما نهادند و پشتوانه ای محکم برای ما در این فعالیت بودند.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	چکیده
۴.....	مرگ
۵.....	آسانی و سختی جان دادن
۶.....	حضور اهل بیت هنگام جان دادن
۶.....	موقف سؤال و جواب
۸.....	فشار قبر
۹.....	تعریف برزخ
۱۰.....	حوض کوثر در برزخ
۱۱.....	برزخ، پیش پرده ی قیامت
۱۲.....	نشانه های قیامت
۱۴.....	صور دمیده می شود
۱۴.....	قرار گرفتن مردم در صحرای محشر
۱۵.....	شهود و گواهان در قیامت
۲۰.....	حساب
۲۰.....	چگونگی تقسیم پرونده ها

۲۲.....	صراط
۲۲.....	کیفیت عبور از صراط
۲۳.....	جهنّم
۲۴.....	دورنمایی از جهنم
۲۵.....	سخن جهنم با سه طایفه
۲۶.....	غذاهای جهنم
۲۷.....	آشامیدنی های جهنمیان
۲۹.....	درخواست های جهنمیان
۳۲.....	بهشت
۳۳.....	بازشدن درهای بهشت
۳۳.....	باغ های بهشت
۳۶.....	میوه های بهشتی
۳۷.....	خصوصیات میوه های بهشتی
۳۸.....	چشمه های بهشت
۴۴.....	نتیجه گیری
۴۵.....	منابع و مأخذ

مقدمه

سپاس و ستایش خداوندی را که دوره ی دانش آموزی ما را به گونه ای رقم زد تا بتوانیم نیم گفتاری در مورد زندگی ابدی انسان و روز رستاخیز قیامت مطالبی را جمع آوری کنیم و به علاقمندان در این راستا ارائه دهیم.

انسان ها وقتی در گذشته های بسیار دور، اندیشیدن را آموختند، خود را در یک خانه ی دو در، یافتند که عده ای از دروازه ای آمدند و در نتیجه بر تعدادشان افزوده شد و از دری خارج می شدند به همین علت از تعدادشان کاسته می شد. و از آن روزگاران، خیلی زود دریافتند که در ورودی این خانه تولد اما در مورد در خروج این خانه، یعنی مرگ و مراحل بعد از آن، به علت این که در پشت دیواری ستر قرار دارد و چیزی از آن مشهود نیست، انسان ها نتوانستند تصویر روشنی از پشت پرده ی مرگ داشته باشند.

انبیای الهی اولین و شاید هم تنها مردانی بوده اند که خبر هایی از آن طرف دیوار مرگ برای انسان ها آورده و آن ها را از شگفتی های آن، هر یک به قدر دریافت و مأموریت خود آگاه کرده اند.

بی تردید هر کس شدیداً مایل است بداند، سرنوشتش در پایان حیات دنیوی چه می شود و کار او بعد از مرگ به کجا می کشد، روحش به کجا می رود و بر پیکر بی روح او چه خواهد آمد و این زمینه ی کنجکاوی ما را فراهم کرد و بر آن شدیم تا تحقیقی را با روش کتابخانه ای پیرامون این مبحث مهم تهیه کنیم.

با تقدیم احترام

مهدی گندم زاده، رضا صفری و محمد امین عزیزمقدم

چکیده

در قیامت، ابتدا زمان ظهور مهدی (عج) فرا می‌رسد. در این زمان است که عدل کامل در جهان برپا می‌شود و حقّ مظلوم از ظالم ستانده می‌شود. پس از آن رجعت شروع می‌شود و امامان که در دنیا ظلم دیده‌اند می‌آیند و هم‌چنین قاتلان‌شان می‌آیند تا امامان حق خود را از آنان بگیرند؛ مثل امام حسین (ع) و یزید _ لعنه‌الله علیه _ آنها با هم می‌جنگند ولی بالاخره حق پیروز است و امامان انتقام خود را می‌گیرند. همه‌ی مردم جامعه عادل می‌شوند، به طوری که اگر کسی از جیب دیگران پول بردارد آن فرد خم به ابرو نمی‌آورد و یا هنگام ظهر که می‌شود، موقع نماز، همه مغازه‌ها را رها کرده و به سوی نماز می‌روند. دنیای زیبا و لذت‌بخشی می‌شود؛ همه مؤمن و دوستدار خدا. مردگان از خدا می‌خواهند که آنها را به دنیا بازگرداند. البته خدا کسانی را که به ظهور بسیار علاقه‌مندند به دنیا بازمی‌گرداند. علاوه بر آن، افرادی که در دنیا بسیار زجر کشیده‌اند هم برمی‌گردند که حق خود را بگیرند. پس، بلافاصله بعد از ظهور امام (عج) قیامت نمی‌شود. امام چند سال حکومت می‌کنند و حق مظلوم را از ظالم می‌گیرند، و خود می‌فرمایند: منم انتقام‌گیرنده از دشمن خدا! بدین ترتیب عدل برقرار شده و حق‌ها نیز گرفته شده، دیگر زندگی در این دنیا برای چه؟ باید زندگی ابدی آغاز شود. تعداد جمعیت آن زمان بستگی به تعداد مسلمانان واقعی جهان دارد. قیامت فرامی‌رسد. خورشید درهم می‌پیچد و ستارگان فرومی‌ریزند و کوه‌ها پودر می‌شوند، همه‌ی جانداران می‌میرند و هیچ چیز روی زمین باقی نمی‌ماند. ممکن است کوه‌ی زمین را آب فراگیرد و سکوت محض همه جا برقرار می‌شود. شاید چند سال به همین منوال بگذرد و شاید هم همان موقع رستاخیز شود، کسی چیزی نمی‌داند!

یا جوج و مأجوج توسط امام و یارانش شکست می‌خورند. بالاخره صوراسرافیل دمیده می‌شود و مردگان برمی‌خیزند و چیزی جز یک کفن ندارند. پس سعی کنید که بار اعمال نیکتان

سنگین باشد. کسانی که اعمال نیک دارند رخسارشان می‌درخشد و کسانی که اعمال بد دارند، گرد اندوه بر چهره‌شان نشسته و آن‌ها را سیاه می‌کند و به روسفیدان می‌گویند به ما نظر کنید شاید چهره‌ی ما هم کمی نورانی شود، ولی به اذن خداوند پرده‌ای میان آن‌ها حایل می‌شود. پس از رسیدگی به حساب‌ها، خوش‌بختان با چهره‌ای شاد و خندان به بهشت و بدبختان با چهره‌ای اندوهگین و پشیمان به جهنم می‌روند.

کلمات کلیدی: قیامت، مرگ، جهنم، بهشت، برزخ، قبر.

مرگ

اولین منزل این سفر مرگ است و این منزل گردنه های سخت و سهمگین و جاهای دشواری دارد، که اینک ما به ذکر دو گردنه آن اشاره می کنیم: عقبه و گردنه اول سكرات مرگ، و شدت جان کندن است: (وَ جَاءَت سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدًا)^۱. و این عقبه ای است بسیار دشوار که شدائد و سختیها از هر طرف به محضر رو می آورد از طرفی شدت مرض و درد و بسته شدن زبان و رفتن قوا از اندام ها، از طرف دیگر گریستن اهل و عیال و وداع آنها با او و غم یتیمی و بی کس شدن بچه های خود از طرف دیگر غم جدا شدن از مال و منزل و املاک و اندوخته ها و چیزهای نفیس خود که عمر عزیز خود را صرف آن ها کرده و به سعی زیاد آن ها را تحصیل نموده، بلکه بسا شده که بسیاری از مال مردم بوده و به ظلم و غضب آن ها را مالک شده و آنکه چقدر حقوق براموال او تعلق گرفته و نداده، حال ملتفت خرابی های کار خود شده که کار گذشته، و راه اصلاح آن ها بسته شده و از طرفی هول ورود به نشئه ای که غیر از این نشئه است و چشمش می بیند چیزهایی را که پیش از این نمی دید. می بیند حضرت رسول و اهل بیت اطهار- صلوات الله علیهم - و ملائکه رحمت و ملائکه غضب را حاضر شده اند تا درباره ی او چه حکم شود و چه سفارش نمایند، و از طرف دیگر ابلیس و اعوان او برای آن که او را به شک اندازند جمع شده اند و می خواهند کاری کنند که ایمان او از او گرفته شود و بی ایمان از دنیا برود، و از طرفی هول آمدن ملک الموت که آیا به چه هیئتی خواهد بود و چه نحو جان او را قبض خواهد نمود.

^۱ بهوش آید که هنگام سختی مرگ فرا خواهد رسید، این همان چیزی است که از آن دوری می جستید، سوره ق آیه ۱۹

آسانی و سختی جان دادن

در روایات و احادیث، تصریحاتی به سختی جان کندن شده است و در بعضی تشبیه به کندن پوست از بدن انسان زنده گردیده و در برخی دیگر از روایات سختی آن تشبیه شده به اینکه بدنی را با قیچی یا اره قطعه قطعه کنند و از بعضی از محضترین هم ناراحتی های فوق العاده مشاهده می شود که گفتنی نیست.

برای بعضی هم مردن مثل بو کردن بهترین گلهای است. در بعضی روایات می فرماید تغییر لباس کثیف به تمیز است و در پاره ی دیگر تشبیه به برداشتن غل ها و بند ها از بدن شده است، یعنی مرگ خلاصی پیدا کردن از محبس عالم طبیعت است.

به طور کلی هیچ یک از این دو قسم جان دادن کلیت ندارد، بلکه نه هر کس اهل ایمان شد آسان جان می دهد، بلکه بسیاری از مؤمنین هستند که لطف خدای تعالی شامل حالشان می شود و بعضی از گناهانشان را به سختی جان کندن جبران می فرماید، با اینکه مؤمن از دنیا می رود، لیکن چون باید پاک برود او را اصلاح می کنند و نسبت به کفار دهانه آتش و مقدمه عذابشان می باشد.

گاه هم می شود که کفار و فساق آسان جان می دهند، چون این شخص اهل عذاب است، لیکن در عمرش کار خوبی هم کرده، آسان جان می دهد که حسابش همین جا تصفیه شده باشد، مثلاً به واسطه انفاقی که کرده یا کمک به مظلومی که نموده، در عوض آسان جان می دهد تا دیگر در آخرت طلبی نداشته باشد، چنانچه مؤمن برای پاک شدن از گناه، سخت جان می دهد. در حقیقت برای کافر جان دادن، اول بدبختی است، چه آسان و چه سخت و برای مؤمن هم نعمت و سعادت است، چه آسان و چه سخت.

بنابراین به هیچ وجه آسانی و سختی جان داده نسبت مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار کلیت ندارد.

حضور اهل بیت (علیه السلام) هنگام جان دادن

در روایات بسیاری ذکر شده که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی (علیه السلام) و در پاره ای دیگر از خمسه طیبه یعنی با حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و در پاره ای دیگر تمام چهارده معصوم هنگام مرگ بر بالین مؤمن حاضرند.

از مسلمات است که هر کس اهل بیت را هنگام مرگ ملاقات می کند و نسبت به اندازه معرفت و محبتش به آنان بهره می برد.

در حدیث مشهور حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به حارث همدانی است که فرمود: تمام افراد هنگام مرگ مرا ملاقات خواهد کرد، چه مؤمن و چه کافر ولی چیزی که هست این ملاقات برای مؤمنین نعمت است و مشاهده جمال دلربایش از هر لذتی لذیذتر است و برای کافر و منافق مظهر قهر پروردگار می باشد.

موقف سوال و جواب

پس از قبض روح و دفن میت، نوبت به ملکی به نام «رومان» که لقبش «فتان القبور» است می رسد. اولین فرشته ای که بر انسان فرود می آید اوست.

وی وقتی بر مسلمان وارد می گردد خیلی خوش رو و زیبا و نورانی است و به او خطاب می کند که :

آنچه را از اول تکلیف تا مرگ بر جای آوردی از خوب و بد بنویس. انسان می گوید من وسیله نوشتن ندارم و قلم و کاغذ لازم است. به قدرت الهی و فرمان آن فرشته، وسایل نگارش مهیا می شود و به توجه و قدرت آن ملک، اعمال گذشته سالیان عمر انسان به یادش می آید و همه را زا صغیر و کبیر خواهد نوشت و چون نگارش پایان یافت آن وقت این صفیحه یا لوح را حلقه

کرده و به گردن انسان می اندازند. (وَ كُلُّ انْسانٍ الزَّمَانِهِ وَ طَائِرُهُ عَلٰى عُنُقِهِ وَ نَخْرَجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا).^۱

این صحیفه همچنان پیچیده بر گردن وی تا روز رستاخیز می ماند. روز قیامت که فرا رسید، باز شده و جلو چشم انسان قرار می گیرد. البته این فرشته مأمور عذاب نیست و فقط همین کار مذکور را به جا می آورد.

پس از خروج این ملک، دو فرشته دیگر به نام های «نکیر» و «منکر» یا «بشیر» و «مبشر» وارد می شوند.

نکیر و منکر با قیافه ای قبیح و ترسناک بر بدکاران و گناهکاران نازل می شوند و بشیر و مبشر با چهره ای زیبا و خوش بر مؤمنین و دارندگان عمل صالح وارد می گردند و انیس و مونس میت می شوند. این دو ملک، حسب مورد رو به میت کرده و می پرسند: «من ربُّک» خدای تو کیست؟ که را می پرستیدی؟ باید بگوید: «خدا و ربِّ من آن خدایی است که جلالش، جلیل و مقامش، منیع است. مجد و عظمت کبریایی اش تمام عالم هستی را فرا گرفته، آن پروردگاری است که دست فکر و عقل بشر به این آسانی ها به جلال ربوبیتش و عظمت و مجد کبریایی وی نمی رسد» تا اندازه ای این پاسخ پذیرفته می شود.

سوال دوم: «مَنْ نَبِيُّک» است.

پیامبر تو که بود؟ راهنمای تو کیست؟ کسی که راهنمای او فلان کس بوده و به دستورات او عمل کرده و خدا را فراموش نموده و راهنمای خود را گم کرد، قهراً بر زبانش نام آن شخص جاری می شود. اما شما بحمدالله و المنة می گوئید: «محمد رسول الله» اگر چنین گفتید از مرحله سالم جسته اید.

^۱ سوره اسراء آیه ۱۳

سؤال سوم: «ما کتابک» است.

آن نامه و دفتری که دستور العمل تو بود و بر مبنای آن عمل می کردی چیست؟ کتاب آسمانی ات کدام است؟ آن کسانی که قانون غیر الهی جعل می کنند و به شئون الهی دست اندازی می نمایند مسلماً دچار عذاب سخت و دردناک اخروی می گردند. اما امثال شما همگی خواهند گفت: «القرآن کتابی» دستور من و نظامنامه دین و دنیایم قرآن مبارک بود.

سؤال بعدی درباره ی ولایت ائمه طاهرین (ع) است.

از این بزرگواران، یکان یکان سؤال می کنند. باید تمام امامان طاهر را یک به یک نام برد و بازگو کرد. از قبله و کعبه معظمه هم می پرسند. اگر بازماند و زبانش لکنت پیدا کرد و پاسخ موافق و مطلوب نداد می گویند:

ندانستی! در این مدت عمر طولانی، هدایت نشدی! لذا عمود آتشین را بلند می کنند و چنان بر سرش می کوبند که قبر مملو از آتش می گردد. بدن با آن حس ضعیف و نیم روحی که به او تعلق گرفته این تالّمت را درک می کند.

اما اگر به همه ی پرسش ها پاسخ درست و مناسب داد روزنه ای از قبر به عالم برزخ باز می شود که دارای نسیمی ملایم و روح افزا است. بویی خوش و معطر و هوایی لطیف از آن جهان داخل قبر می گردد. آن وقت آن دو فرشته به هنگام خداحافظی و خروج از قبر به وی می گویند: «أَنْتُمْ نَوْمَ الْعَرُوسِ» همان گونه که عروس با شوق و شعف و کمال راحتی و آسایش می خوابد تو نیز تا روز رستاخیز همان گونه بخواب!

فشار قبر

عذاب های دردناکی را که جسد(میت) در قبر می کشد را فشار قبر می گویند.

خیلی ها معتقدند که فشار قبر یعنی فشار دادن جسد به وسیله دیواره های اطراف قبر که این فرضیه کاملاً غلط است زیرا روح دیدنی نیست و فشار قبر هم دیدنی نیست قبر جای تنگ برای جسد است ولی برای روح فضای بسیار بزرگ و تاریک است. فشار قبر از آتش و جانوران و مأموران خداوند هستند که به جهت عذاب وارد قبر می شوند بعد از مرگ متعلق به روح است و عذاب ها را هم جسم در قبر و هم روح در عالم برزخ می بیند پس اگر دردی یا عذابی باشد همه به سراغ روح می روند و هر چند آن را جسد ببیند دردش را روح احساس می کند.

آمده است فشار قبر از آتش و مواد مذاب می باشد یعنی آتشی را که نکیر و منکر به وجود می آورند موجب می شود از دهانه ی قبر مواد مذاب وارد قبر شود. فضا برای روح بزرگ است از دور جانورانی مانند سگ به او حمله می کنند و تعدادی افراد با اشکالی بسیار وحشتناک او را مستقیم به گودال های آتش می برند و او را با تازیانه می زنند و گاهی به سرزمین های عذاب دوزخیان می برند و او را عذاب می دهند. در احادیث و سخنان معتبر آمده است که منشأ فشار قبر از چند چیز است: غیبت، دروغ، نمایی، حسد، برنیوردن حاجات دیگران در صورت بودن توان، ندادن سهمین(خمس و زکات)، بد اخلاقی به خصوص در خانواده و غیره ... می باشد که اگر انسان تا قبل از مرگ بخشیده نشود هیچ بلایی سخت تر از فشار قبر نیست.

تعریف برزخ

در تعریف برزخ چنین گفته اند: فاصله بین دو چیز را برزخ می گویند: مانند پرده ای که بین زن ها و مردها زده شود، دیوار بین دو خانه، مرز بین دو ملک، فاصله بین دو نهر آب یا دو دریا، کسی که بین دو نفر واقع می شود که با هم نزاع نکنند، همه این ها را برزخ می نامند.

برزخ عالمی بین دنیا و آخرت است که آن را عالم قبر هم می گویند: فاصله بین مرگ تا قیامت ، بین دنیا و آخرت از هنگام مرگ تا برانگیخته شدن در روز قیامت را برزخ گویند.

برزخ نه مربوط به دنیا است و نه مربوط به آخرت . مربوط به دنیا نیست ؛ چون زندگی آن جا مانند زندگی دنیا نمی باشد؛ زیرا روح در دوران برزخ ، در قالب مثالی نازک و هوایی نرم تر از بدن فعلی قرار می گیرد که در آن ، جرم و تیرگی مادی و لطافت مجردات نیست . بلکه جسمی بین بدن و روح است .

عالم برزخ از نظر وسعت نسبت به دنیا، مانند دنیا نسبت به رحم مادر است بدین جهت نمی توانیم ویژگی های عالم برزخ را تصور کنیم ، چنان چه کودک در رحم مادر نمی تواند ویژگی های دنیا را بفهمد با این که به زودی به عالم دنیا وارد می شود.

حوض کوثر در برزخ

در کتب متعدد مروری است از عبدالله بن سنان که از حضرت ابی جعفر الصادق علیه السلام از حوض کوثر پرسید حضرت فرمود طولش اندازه بصره تا صنعاء یمن است. عبدالله تعجب کرد حضرت فرمود: آیا می خواهی نشانت دهم عرض کردم بلی یا مولای - حضرت او را بیرون مدینه آوردند پای مبارک را به زمین زدند - فرمود بین (پرده ی ملکوتی به امر امام علیه السلام از پیش چشمش کنار رفت) دیدم نهری پیدا شد که دو طرف آن را نمی توانست دید مگر موضعی که من و آنحضرت در آنجا ایستاده بودیم که مانند جزیره بود و نهری در نظرم آمد که از یک طرف آن آبی می رفت از برف سفیدتر و از یک طرف شیری می رفت از برف سفیدتر و از میان آنها شرابی می رفت مانند یاقوت در سرخی و لطافت که هرگز چیزی نیکوتر و خوش نما تر از آن شراب در میان شیر و آب ندیده بودم گفتم فدایت شوم این نهر از کجا بیرون می آید فرمود: اینها از چشمه هائی است از آب و چشمه ئی از شراب در این نهر جاری می شود و در دو کنار آن نهر ، درختهایی بود و در میان هر درختی حوریه ای که موها بر سرشان آویخته بود که

هرگز به خوبی آن ندیده بودم و از ظرفهائی دنیا نبود پس حضرت نزدیک یکی از آنها رفت و اشاره فرمود که آب بده آن حوریه ظرف را از آب نهر پر کرد و به آنحضرت داد و میل فرمود پس اشاره فرمود به آن پر کند آن حوریه ظرف را پر کرد و آنحضرت به من داد آشامیدم هرگز آشامیدنی به آن نرمی و لطافت و لذت نچشیده بودم بوی مشک می داد گفتم فدایت شوم مثل آنچه امروز دیدم هرگز ندیده بودم و هرگز گمان نمی کردم که چنین چیزی می تواند بود.

حضرت فرمود این کمترین چیزی است که خداوند برای شیعیان ما مهیا کرده است چون متوفی از دنیا می رود روحش را به سوی این نهر می برند و در باغستانهای آن حرکت می کند و از خوردنی های آن می خورد و از آشامیدنی های می آشامد و دشمن ما چون می میرد روحش را می برند به وادی برهوت و در عذاب آن همیشه می باشد و از زقوم آن به او می خوراند و از حمیم آن به حلق او می ریزند پس پناه ببرید به خدا از آن وادی و از جمله کسانی که بهشت برزخی را در این عالم دیدند اصحاب حضرت سیدالشهداء علیه السلام اند که در شب عاشوراء آن حضرت نشان آنها داد و در جلد دوم بحار از حضرت باقر مروی است که هیچ مومن از دنیا نمی رود مگر آنکه در نفس آخرش از حوض کوثر به او می چشاند چنانکه هیچ کافری نمی میرد مگر آنکه از حمیم جهنم به او بچشاند.

برزخ، پیش پرده قیامت

آن روز صدای تک انفجار آفرینش، پایان دوره ی ناپایداری دنیا و آغاز ابدیت را اعلام می دارد و مردم از هراس صدور حکم نهایی بی قرارند و دنبال راه فرار.

بر اساس نشانه ها و نمونه ها، ارواح مردگان در برزخ در حال انتظارند و از دنیا به اشکال مختلف خیرات و مبرّاتی دریافت می دارند و یا بر عکس آثار خیانت های به جا مانده خویش را می بینند و در هاله ای از بیم و امید چشم به راه زندگانند. با دمیدن فرشته خدا(اسرافیل) در صور اول، کار دنیا و انتظار مردگان نیز به سر می رسد و راه بر همه بسته می شود.

چون در دوره ی برزخ، اجساد به حال خود وا گذاشته شده اند، یعنی در حقیقت نیمی از وجود انسان در خواب مرگ است. اما ارواح و اجسام مثالی در جنب و جوشند. پس در قیامت یک باره اجساد خاکی نیز زنده می شوند و همراه ارواح، سراسیمه به صف محشر روان می شوند^۱.

عذاب یا پاداش برزخی هر کس نمونه ای از عذاب و پاداش نهایی او و به تعبیری پیش پرده ی قیامت نشئه قیامت اوست و تبه کار با روزنه ی حفره ای به جهنم و نیکوکار در باغی به بهشت متصل است. اما بعد از واقعه ی کبیر قیامت، تبه کار در متن و بطن جهنم سوزان و نیکوکار در قصرها و باغها قرار می گیرد.

تا برپایی رستاخیز عظیم، انسان های زنده و مرده با حقوق متقابل انسانی با دعا و استغفار و گذشت تا حدودی می توانند برای هم طلب مغفرت نمایند. اما بعد از نفخه ی صور کار دنیا به سر آمده است و دیگر زنده و جنبنده ای نیست تا رابطه ای برقرار و حقوق متقابلی را ادا نمایند. البته در پای محکمه ی عدل الهی نیز چنانچه افرادی یکدیگر را ببخشند، امید هست که خدا هم از گناهان آن ها بگذرد.

در برزخ هنوز همه ی زشتی ها و زیبایی ها برای همه کاملاً بر ملا نشده، اما بعد از برانگیخته شدن و حضور در عرصه ی محشر همه ی رازها مکتوم، پیش همه ی چشم ها آشکار می گردد.

نشانه های قیامت

قرآن کریم تحولات عظیم و رویداد های بسیار مهمی را که هم زمان با روز رستاخیز اتفاق خواهد افتاد، در آیات فراوانی ذکر کرده است و از آن ها به عنوان «اشارات ساعه»، یا نشانه های قیامت یاد کرده است.

^۳ در آن روز قیامت، مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا اعمال خود را ببینند.

سوره زلزله آیه ۶

این رویدادها برخی مربوط به زمین است و برخی دیگر به کرات و آسمان ارتباط دارد. به طور کلی، هنگام بر پا شدن قیامت، یک دگرگونی و تغییر و تحول در همه جهان پدیدار می شود. این تحول و دگرگونی، فراگیر و جهان شمول است. این رویدادها در آن وقت که اراده و مشیت پروردگار تعلیق گیرد و بخواهد که پرونده جهان در هم پیچیده شود، اتفاق خواهد افتاد و با این حوادث عظیم و توصیف ناشدنی، نظم جهان و گیتی به هم می ریزد و دنیا پایان می پذیرد. پس از آن که همه چیز فانی شد و هیچ موجود زنده ای به جای نماند، هر گاه ذات اقدس الهی که حی لایموت است، اراده نماید، عالم آخرت و روز رستاخیز به پا خواهد شد.

از تحولاتی که نشانه آغاز قیامت است، دگرگونی های است که در آسمان رخ می دهد. شاید مراد از آسمان در اینجا، اجرام سماوی و کرات معلق در فضا و کهکشانها باشد که آنها به دنبال انفجارات پی در پی شکافته و قطعه قطعه می شوند، اما پس از آن مجدداً این پراکندگی و از هم گسستگی جمع شده و در هم پیچیده می شوند.

زمین نیز که محل زندگی ما و یکی از کرات منظومه شمسی است، همانند خورشید و دیگر ستارگان، با آغاز قیامت، دستخوش رویدادها و دگرگونی های زیادی خواهد بود. یکی از نشانه های قیامت بر روی زمین، تکان خوردن شدید زمین است. از جمله رویدادهایی که در زمین، قبل از رستاخیز اتفاق خواهد افتاد، متلاشی شدن کوهها و در هم ریختن آنها است که برای آن هفت مرحله ذکر شده است:

- ۱- تکان خوردن و به لرزه در آمدن
- ۲- کنده شدن کوهها از جای خود
- ۳- حرکت کردن و سیر آنها
- ۴- اندکاک و منهدم شدن
- ۵- کوهها همانند غبار گشته و متفرق می شوند

۶- کوه ها همانند پشم زده شده، می شوند که در برابر باد تند قرار گیرد و در آسمان، فقط رنگ آن را می توان دید

۷- کوه ها متلاشی شده و از آن به جز شبهی مانند سراب در بیابان خشک به جای نماند از دیگر نشانه های قیامت و روز رستاخیز، انفجار دریاها است.

صور دمیده می شود

قبل از بر پا شدن قیامت، مرگ تمام اهل زمین و آسمان ها فرا می رسد این حقیقت را قرآن چنین بیان می کند: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ الْأَلَا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^۱. یعنی صور دمیده می شود، پس هر که در آسمان ها و زمین است از صدای او جان می دهد، جز کسی که خدا بخواهد^۲ از مدتی (که خدا می داند چقدر طول می کشد) بار دیگر صور دمیده می شود، ولی با آن صدا مردم زنده شده و از قبر ها برخاسته و در انتظار سرنوشت خود هستند.

قرار گرفتن مردم در صحرای محشر

در قیامت مردم ده گونه محشور می شوند:

- ۱- شایعه سازان به صورت میمون
- ۲- حرام خواران به صورت خوک
- ۳- رباخواران واژگون
- ۴- قاضی ناحق کور
- ۵- خود خواهان مغرور، کر و لال
- ۶- عالم بی عمل در حال جویدن زبان خود

^۱ سوره زمر آیه ۶۸

^۲ در اینکه مراد از استثنا چه کسانی هستند چند نظریه است که مرحوم علامه طباطبایی در المیزان پس از نقل همه را رد کرده، و سپس می فرماید با صدای نفخه همه بدن ها می میرند جز ارواح که زنده اند به دلیل روایت.

- ۷- همسایه آزار، دست و پا بریده
- ۸- خبر چین آویخته به شاخه های آتش
- ۹- عیاشان بد بوتر از مردار
- ۱۰- مستکبران در پوششی از آتش محشور می شوند.*

پس این که انسان چگونه در صحرای محشر حضور پیدا می کند بستگی به اعمالش در این دنیا و مزرعه ی آخرت دارد.

در صحرای محشر بقدری ازدحام است که تنها جای ایستادن برای هر کس وجود دارد در آن جا نه خوابی است و نه تفریحی و تفرّجی پنجاه هزار سال به انتظار دریافت سرنوشت (بهشت یا جهنم)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: بهترین انسان از لحاظ حالت روحی در آن روز کسی است که جایی برای قدم گذاشتنش پیدا نماید.

در آن روز، از وحشت و هول چشم ها خیره بماند چرا که آن روز حادثه ای عظیم و داهیه ای بزرگ می باشد. مردگان بعد از مبعوث شدن با چشم های خاشع و اشک آلود به اطراف خود نگاه می کنند و ذلّت عجیبی آنان را با قهر فرا می گیرد.

شهود و گواهان در قیامت

یکی از مسائل مهم قیامت وجود گواهان مختلف است، گرچه خدا نیازی به شاهد ندارد، ولی انسان طوری است که هر چه حضور شاهد ها را بیشتر احساس کند برای تربیت و تقوای خود عامل مهمتری می یابد.

آری حضور مردم، گواهان و شاهدان هر چه بیشتر باشد شرمندگی زیادتر است.

اما این شاهدان چه کسانی هستند؟ با مراجعه به قرآن کریم و استفاده از آیات مطالب را مورد بررسی قرار می دهیم:

اولین شاهد، خدا

در قرآن می خوانیم: «**إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ**»^۱ یعنی همانا خداوند بر همه چیز گواه است.

درباره ی علم خداوند آیات فراوانی به چشم می خورد، بنابراین اولین گواه در دنیا و آخرت ذات مقدس الهی است.

دومین شاهد، پیامبران

یکی دیگر از گواهان در قیامت پیامبران بزرگوار هستند، قرآن می فرماید: «**وَجَنَابِكَ عَلِيٍّ هُوَ لِأَشْهَادٍ**»^۲ یعنی ما تو را در قیامت در حالی که گواه مردم هستی حاضر می کنیم. بنابراین شاهد هر امتی در قیامت پیامبر همان امت خواهد بود و شاهد تمام انبیا شخص رسول اکرم (ص) است.

سومین گواه، امامان معصوم (علیهم السلام)

^۱ سوره حج آیه ۱۷

^۲ سوره نساء آیه ۴۱

در قرآن می خوانیم: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً مَسْطُورًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ

يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۱ یعنی بدینگونه ما شما را یک امت معتدل و میانه قرار دادیم تا

شاهد بر مردم باشید و رسول خدا هم بر شما شاهد باشد.

چهارمین شاهد، فرشتگان

در قرآن می خوانیم: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ»^۲ یعنی روز قیامت هر

انسانی در پیشگاه عدل الهی حاضر می شود در حالی که در کنار او هم فرشته ای است که او را به محشر سوق می دهد و هم فرشته ای است که شاهد کارهای انجام شده اوست.

فرشتگانی که در قیامت گواه بر اعمال انسانند ممکن است همان گروه از مأمورانی باشند که اعمال ما را در دنیا ضبط می نمایند و ممکن است سایر فرشتگان باشند.

پنجمین شاهد، زمین

در قرآن می خوانیم: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»^۳ یعنی زمین در قیامت خبر هایش را بازگو

می کند.

شهادت یا بوسیله وضع و نظامی است که پیدا کرده است، همانگونه که ما به یکدیگر می گوئیم چشم تو شهادت می دهد که دیشب خواب نکرده ای و رنگ تو گواه آن است که ترسیده ای و یا عصبانی و یا شاد شده ای، زمین آن روز هم دچار زلزله ای بسیار بزرگ می شود و بعد از کنده شدن کوه ها و به هم خوردن و قطعه قطعه شدن و سپس شن شدن آن ها با ما حرف دارد، وضع و نظام آن روز به ما مطالبی را می فهماند همانگونه که دایره های تنه درخت پس از بریده شدن تاریخ آن را به ما می فهماند، آری این ها همه در آفرینش خود با ما حرف می زنند و

^۱ سوره بقره آیه ۱۴۲

^۲ سوره ق آیه ۲۱

^۳ سوره زلزال آیه ۴

شهادت ها و گواهی ها همراه دارند، طبق این معنا مراد از شهادت دادن زمین گواهی اوضاع آن است نه گفتگو و کلام.

معنای دیگری برای گواه بودن زمین اینک: خداوند با اراده خویش هر گوشه ای از آن را به سخن در می آورد.

ششمین گواه، وجدان

یکی از شاهدان در آن روز وجدان زنده و عقل و چشم بیدار شده انسان است، در قرآن آیات بسیاری آمده که بارها انسان با کمال صراحت به گناه و انحراف خود اقرار می کند اقراری از عمق جان و از تمام وجود.

هفتمین شاهد، اعضای بدن

یکی از شاهدان در قیامت اعضای بدن هستند، قرآن می فرماید: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمُ أَسِنَّتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ یعنی روزی که زبان ها و دست و پاهای مردم گواهی می دهند.

و گاهی بر دهانشان مهر خورده و تنها دست و پا سخن می گویند. روز قیامت گوش و چشم ها و پوست مردم به آنچه در دنیا عمل کرده اند گواهی می دهند. جالب آن که انسان که این گواهی را از چشم و گوش و پوست خود می بیند، با کمال ناراحتی و شرمندگی به پوست خود می گوید: چرا در این روز از آن گناهان رسوا و شرم آوری که توسط تو مرتکب شده ام پرده برداشته و گواهی دادی؟

لیکن پوست جواب می دهد: خداوندی که همه چیز را به نطق و گفتگو در می آورد ما را نیز به گواهی و سخن گفتن وادار نمود.

^۱سوره نور آیه ۲۴

هشتمین شاهد، زمان

روایتی می خوانیم که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: هیچ روزی بر انسان نمی گذرد مگر آن که آن روز به انسان هشدار می دهد که من امروز برای تو روز نوی هستم و گواه کارهایی خواهم بود که در من انجام می دهی و در روز قیامت به آن ها شهادت خواهم داد، بنابراین سعی کن در این روز استفاده کامل را در راه سعادت ابدی انجام دهی.

نهمین گواه، خود عمل

یکی از شاهد ها در قیامت خود اعمال و کردار های انسان است که به صورت جسم در برابر انسان نمودار می شوند، آری همینکه عمل در آن نظام خود را نشان داد هیچ راهی برای انکار وجود ندارد. تمام کار های ما که در دنیا صورتی دارد در آخرت شکل دیگری به خود می گیرد. مسأله ی تجسم عمل در قرآن و روایات بسیار مطرح است.

خلاصه آن که شاهدان در قیامت عبارتند از:

- ۱- خداوند
- ۲- پیامبران
- ۳- امامان معصوم
- ۴- فرشتگان
- ۵- وجدان
- ۶- زمین
- ۷- زمان
- ۸- اعضای بدن
- ۹- خود اعمال

خداوند ا روز قیامت ما را در برابر آن همه شاهد روسفید فرما.

حساب

از لحاظ حساب در روز جزا خلق بر چهار گروهند عده ای بدون حساب وارد بهشت می شوند ایشان دوستان اهل بیتند که حرامی از آن ها سر نزده یا اینکه با توبه از دنیا رفته اند. طایفه دوم بر عکس ایشانند که بدون حساب وارد جهنم می شود.

طایفه ی سوم کسانی هستند که کارهایشان حساب دارد و در موقف قیامت معطل می شوند اما عاقبت چون حسناتشان غالب است اهل نجاتند و معطلی در حساب به مقدار گناه است.

طایفه چهارم کسانی هستند که سیئات آن ها بیشتر از حسناتشان باشد پس اگر شفاعت و فضل الهی به آن ها برسد اهل نجات و به بهشت خواهند رفت والا محکوم به عذاب و در آتش جای آن ها است تا هنگامی که از گناهان پاک شوند آنگاه نجات خواهند یافت و آن ها را به بهشت می برند کسی که یک ذره ایمان داشته باشد در جهنم نخواهند ماند و در آتش باقی نماند مگر کافر و معاند.

یعنی اجر باقی نخواهند داشت و کردارهای نیک او هر چند زیاد و بزرگ باشد او را به بهشت نخواهند برد زیرا شرط دخول در بهشت اعتقاد به خدا و آیات او است، کسی که خدا را باور ندارد چگونه بهشت را می بیند.

چگونگی تقسیم پرونده ها

ابتدا باید دانست که خداوند متعال از رفتار همه کس آگاه و به همه چیز عالم و خبیر است حتی در قرآن مجید از نزدیکی خود و اطلاع کامل به اوضاع بشری و وسوسه های انسانی چنین فرموده: **«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ**

الْوَرِيدِ^۱ ما آفریدیم انسان را و از خلجان فکری او آگاهیم و از رگ گردن به او نزدیک تر هستیم.

به علاوه فرموده است: **يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ**^۲ چشمهای خیانتکار و رمزهای مخفی در سینه هارا خدا آگاه است.

لکن نظر به حکمت و مصلحتی که می داند برهریک از افراد انسان دو فرشته با قدرت گماشته یکی به نام رقیب و دیگری به نام عتید و آن هنگام که عقل و نفس به انسان تلقین های متضاد و متناقض می کنند آن فرشتگان ناظر بر رفتار و اعمال شخص می باشند.

کلیه ی افعال و گفتار انسان در پرونده های قطور جمع شده، تا روزی که انسان می میرد آنگاه روز محاکمه یعنی قیامت که فرا رسید نوشته اعمال را به صورت کتاب دریافت می نماید. **وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا. اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا**^۳ روز قیامت خارج می کنم برای او کتاب باز شده ای تا ببیند آنرا و فرمان صادر خواهد شد که: کتاب عمل خود را بخوان و کافی است که خود درباره اعمال خویش قضاوت کنی.

امام صادق (ع) می فرمایند: هنگامی که انسان کتاب اعمال خود را مطالعه می نماید به خاطر می آورد کارهایی را که قبلاً انجام داده و آمار همه آن ها آن روز از نظر او می گذرد.

قرآن مجید هم از قول گناهکاران چنین خبر می دهد: **يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا**^۴ (وای بر ما شگفت آور است این کتاب که کار کوچک و بزرگی نیست مگر آنکه به حساب آمده. گناهکاران آنچه انجام داده اند حاضر و موجود خواهند دید و پروردگار تو به کسی ظلم روا نمی دارد).

قبل از آنکه هر فرد از مردم به کتاب اعمال یعنی پرونده کردار خود برسد در فکر آنست که آیا باچه وضع آن پرونده را ملاقات می کند. ولی قرآن مجید قبل از بازجویی و سوال از خصوصیات

^۱ سوره ق آیه ۱۶

^۲ سوره غافر آیه ۱۹

^۳ سوره اسراء آیه ۱۴

^۴ سوره کهف آیه ۴۹

اعمال و رفتار هر کس فرمود: ابتدا کتاب هر کس به دست راست او داده شد بدانند خوشبخت و سعادت‌مند و اهل نجات است اما چنانچه پرونده و نامه عمل افراد به دست چپ آنان داده شد بدانند که محکومیت آنان حتمی است.

اما آن فرد که به دست راست کتابش را بدهند حساب آسانی خواهد داد و هر چه زودتر به سوی خویشاوندان بهشتی خود بازگشت می‌کند و اما کسی که کتابش را از پشت سرش به او بدهند بلافاصله کمی فریاد می‌زند و ای هلاک شدم در این موقع او را به سوی سعیر می‌کشاند. (سعیر نام موضعی است در جهنم)

کسی که نامه عمل او به دست راستش رسید پس می‌گوید بخوانید این کتاب من است من گمان داشتم که روز حساب را ملاقات خواهم کرد نتیجه عملش آنکه در زندگی راحت و عالی خواهد زیست. این مخصوص افراد نیکوکار و مومن است و در مقابل همین سوره راجع به ستمگران جبار فرموده است: **«فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَيَقُولُ هَؤُمُّ اقْرَؤْ كِتَابِيَهٗ. إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ فَهُوَ فِي عَيْشِهِ رَاضِيَهٗ»^۱**

(اما آن فردی که نامه عمل را به دست چپش بدهند با تاثر کامل می‌گوید ای کاش نامه عملم بدستم نمی‌رسید و نمی‌دانستم حسابم چیست.)

صراط

یکی از اعتقادات دینی پیروان اسلام مسئله ی «صراط» در قیامت می‌باشد که اولیا گرامی اسلام، ضمن خبرهای غیبی که از عالم آخرت داده‌اند، وجود آن را اعلام داشته‌اند.

«صراط» در قیامت راهی است از موباریک تر و از شمشیر برنده تر؟! آن پلی است که روی جهنم کشیده شده، آخر و پایان آن بهشت برین است. هر کس آن را به سلامت طی نماید از سعادت ابدی برخوردار می‌گردد و در بهشت جاودان مستقر می‌شود، و هر کس نتواند از آن بگذرد، در آتش دوزخ سقوط کرده و به عذاب الهی گرفتار خواهد بود.

^۱ سوره الحاقه آیه ۱۹

کیفیت عبور از صراط

همه ی مردم باید از «صراط» عبور نمایند، ولی نحوه ی عبور از آن، متفاوت است. این تفاوت برگشت به تفاوت درجات ایمان اشخاص دارد.

افرادی که در دنیا عمرشان به کفر و بی دینی گذشته است و به «صراط» مستقیم الهی بی اعتنا بوده اند، در آخرت قادر نیستند «صراط» قیامت را طی نمایند و قدم هایشان در آن مسیر می لغزد و به دوزخ سقوط می کنند.

اما افراد با ایمان که رهرو «صراط» مستقیم بوده و در دنیا وظیفه ی الهی خود را انجام داده اند، صراط قیامت را نیز می پیمایند و سرانجام در بهشت خلد، جای می گیرند.

همان گونه که درجات افراد از جهت ایمان به خداوند متفاوت است، در قیامت نیز عبورشان از «صراط» متفاوت است. بعضی با تندی و در کمال سرعت و بعضی با تأنی و کندی «صراط» را طی می کنند.

«صراطی» که در روایات آمده: «از مو باریک تر است» و برای همه یکسان نیست. تفاوت عرض پل صراط به اندازه تفاوت ایمان افراد است. هر چه ایمان مؤمنان قوی تر باشد عرض پل هم بیشتر می شود.

جهنم

یکی از موضوعات مهمی که با مسأله «معاد» ارتباط مستقیم دارد بلکه سایر مسائل معاد را تحت الشعاع قرار داده مسأله «بهشت و جهنم» است. مسأله ی قیامت و سرنوشت هر انسانی به یکی از این دو جایگاه ختم می شود.

اساساً انسان همیشه در حرکت است، زندگی و هستی انسان ها چیزی جز حرکت و انتقال از جایی به جایی نیست و نقطه ی پایانی این سیر و حرکت، بهشت یا جهنم است.

به عبارت رساتر، هر انسانی در زندگی خود، بر اساس فرهنگ و باور ها و اعتقاداتی که در دل و اعماق وجود خود جای داده و به روحيات و نفسانیاتی مُتَخَلِّق گردیده است، همچنین با رفتار و گفتاری که از او صادر شده، مسیری را انتخاب کرده و راهی را پیش گرفته است، در نتیجه ی همین انتخاب، بهشت را که محل نعمت های کامل خداوند و زندگی مرفه است، یا جهنم و عذاب ها و شکنجه های گوناگون آن را اقامت گاه دائمی خود ساخته است.

باید توجه داشته باشیم که اعتقاد به بهشت و جهنم، از ضروریات دین مقدس اسلام است و انکار یا تردید درباره آن دو، کفر خواهد بود.

دورنمایی از جهنم

این طور که از لغت به دست می آید: جهنم، خانه عذاب، گودالی بی پایان، آتشی بر افروخته شده از غضب خداوند قهار، زندان آخرتی برای مجرمان می باشد که در آن انواع عذاب ها و اصناف بلاها و بدبختی ها که ادراک آن ها فوق فهم و ادراک انسانی بوده موجود است.

در استعمال قرآن کریم: جهنم محل عذاب، وعده گاه کفار و منافقان، ظالمان و مشرکان، دروغ گویان و رباخواران، غیبت کنندگان و تهمت زندگان، زناکاران و بی نمازان، ترک کنندگان حج و منع کنندگان زکات می باشد. جهنم اقامت گاه دائمی یا موقت مجرمان و گناه کاران، محل عذاب های گوناگون و محل وسیله های گوناگون عذاب و شکنجه است.

دوزخ محل عبور تمام مردم از نیکوکار و بدکار، عالم و جاهل، زن و مرد، جن و انس، پیامبر و امام است.

جهنم جایگاهی تنگ و تاریک، وحشت ناک و هراس انگیز و جایی که خوردنی ها، آشامیدنی ها و پوشیدنی های آن، تمام از آتش است.

جهنم گودالی پر از حیوانات گزنده از قبیل مارها و عقرب ها، اژدها و سگ ها و خوک ها که همه از آتش اند می باشد.

سخن جهنم با سه طایفه

جهنم با عده ای خاص از مردم صحبت می کند و آنان را به محاکمه می کشاند و در خود فرو می برد و می سوزاند.

حضرت رسول اکرم (ص) در این باره فرمود: «آتش دوزخ در قیامت با سه طایفه سخن می گوید:

طایفه اول، زمامداران و فرمان روایان ظالم و جائر.

طایفه دوم خوانندگان قرآن و کسانی که احکام آن را می دانند و به آن عمل نمی کنند.

طایفه سوم ثروت مندان و مال داران متمکن.

به زمامداران می گوید: ای کسانی که پروردگارتان شما را تسلط و حاکمیت بخشید ولی با مردم عادلانه رفتار نمودید! در این حال آتش آنان را می بلعد، همان طور که پرنده دانه ی کنجد را بر می چیند.

به قاری قرآن و عالم به احکام دین می گوید: ای کسی که خود را بین مردم پاک و درستکار جلوه می دادی! اما در پیشگاه الهی مرتکب گناه می شدی، سپس آتش او را نیز در خود فرو می برد.

بعد از آن به ثروت مند و مال دار می گوید: ای کسی که پروردگارت به تو مال زیادی بخشید! و مردم فقیر مبلغ ناچیزی را به عنوان قرض از تو درخواست نموده و تو از روی بخل به خواسته ایشان ترتیب اثر ندادی، سپس آتش او را هم می بلعد^۱.

غذاهای جهنم

قرآن مجید سه نوع غذا برای اهل جهنم را یادآور می گردد که آن ها از این قرار اند.

۱. زَقُوم:

در قرآن مجید، سه مرتبه از «زَقُوم» به عنوان غذای اهل جهنم نام برده شده. به طوری که از بیان قرآن استفاده می شود زقوم نام درختی است که در جهنم می روید، میوه ای که از آن به عمل می آید دارای طعم بسیار بد و بوی بسیار نامطبوع می باشد.

در رابط با این غذای درد آور، در یک مورد می فرماید: درخت زقوم قوت و غذای گناه کاران می باشد! آن غذا ها در شکم هایشان، چون مس گذاخته شده در آتش است و مانند آبی بر روی آتش جوشان است.

۲. غَسَلِین:

«غسلین» چرک و خون و مایعی است که از بدن های مجروح دوزخیان بیرون می آید و آن یکی از خوراکی های اهل جهنم است.

گفته شده: جهنمیان پس از خوردن این غذا دو مرتبه از بدنشان خارج شده و باز خوراکشان می گردد.

^۱ خصال صدوق، ص ۱۱۱ و بحار، جلد ۸، ص ۲۵۸

۳. ضریع:

دیگر از غذا های اهل جهنم «ضریع» می باشد. آن گیاهی خاردار است که در بیابان های خشک می روید و بدترین و پلیدترین غذاها می باشد. چهارپایان نیز از خوردن آن (چون گیاهی سمی است) خودداری می کنند.^۱

حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: «ضریع» چیزی است داخل جهنم که شباهت به خار دارد و از «صبر» و هندوانه ابوجهل تلخ تر و از مردار بد بو تر و از آتش با حرارت تر است.

بعضی گفته اند: «ضریع» طعامی ذلت آفرین است که دوزخیان برای رهایی از آن به درگاه خداوند حکیم تضرع می کنند.^۲

آشامیدنی های جهنمیان

با استفاده از آیات قرآن مجید، غذاهای اهل جهنم را بیان کردیم و اینک به بیان آشامیدنی های جهنمیان می پردازیم. آب ها و شراب های اهل جهنم انواع مختلفی دارد. از جمله ی آن ها:

۱. حمیم

این کلمه به معنی آب بسیار داغ و جوشان آمده است که آن را به اهل جهنم می نوشاندند یا بر بدن آنان می ریزند.^۳

از ابن عباس نقل شده است: اگر قطره ای از آب حمیم بر کوه های دنیا قرار گیرد آن ها را آب می کند.^۴

^۱ تفسیر المیزان، جلد ۲۰ ص ۳۹۸ و تفسیر قرطبی، جلد ۱۰ ص ۷۱۱۹

^۲ تفسیر قرطبی، ص ۷۱۲۰

^۳ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۷۹، لغت ح م م

^۴ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۷۹، لغت ح م م

درباره ی این آشامیدنی خطرناک امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند:

ای مردم! «بترسید از آتشی که حرارتش بسیار و گودی آن زیاد و زیورهای آن از غل و زنجیر و آشامیدنی های آن از آب های جوشان و چرک و خون های بدن های جهنمیان است.^۱

۲. صدید

یکی دیگر از آشامیدنی های اهل جهنم «صدید» است و آن چرک و خونی است که میان گوشت و پوست بدن جمع می شود و خیلی بد بو و متعفن و بد منظر است.^۲

در قیامت هنگامی که متکبران و گردنکشان در میان آتش سوزان، تشنه شوند آنان را از آب «صدید» می نوشاند.

۳. غَسَاق

دیگر از آشامیدنی های اهل جهنم «غَسَاق» است. بعضی از مفسرین آن را به آب بسیار سرد «زمهریر» معنی کرده اند.^۳

بعضی دیگر گفته اند: «آن یکی از آب های داغ و سوزان و از نوشابه های دوزخیان می باشد و اجباراً باید بنوشند.»

طایفه ای گفته اند: «غَسَاق» قطرات آب کدر و کثیف و تیره رنگ است که از پوست بدن دوزخیان (و جراحات تن آنان) بیرون آمده و بسیار بد بو و زننده می باشد به طوری که همگان را ناراحت می کن.^۱

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰

^۲ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۹۱، لغت صدر

^۳ تفسیر مجمع البیان، جلد ۸، ص ۴۸۳

در روایات وارد شده که: «غساق» آبی است که سرچشمه و محل جاری شدن آن از وسط دندان های مارها و عقرب ها می باشد»^۲.

درخواست های جهنمیان

وقتی اهل دوزخ را داخل آن کنند، ایشان حرارت و سوزندگی آتش را احساس کرده و طاقت خود را از دست می دهند. در این حال پنج تقاضا از خداوند متعال کرده و او هم تقاضاهای آنان را جواب داده ورد می نماید! آخر الامر از رحمت خدا مأیوس شده و دیگر تکلم نمی کنند و لب فرو می بندند.

آنان تقاضاهای خود را از خداوند متعال درخواست می نمایند و آن ها عبارت اند از:

۱. عرض می کنند: «پروردگارا! ما را دوبار میراندی (مردن آخر عمر و مردن آخر برزخ) و دوباره زنده کردی (زنده کردن در عالم برزخ و زنده کردن در روز قیامت) و ما در این مرگ و حیات ها همه چیز را فهمیدیم. اکنون به گناهان خود اعتراف می کنیم، آیا راهی برای خارج شدن از دوزخ (و بازگشت به دنیا و جبران مافات) برای ما وجود دارد؟»^۳

خداوند در جواب آنان می فرماید:

«این عذاب و آتش به جهت آن است که وقتی خداوند، به یگانگی خوانده می شد شما راه انکار پیش گرفته و کفر می ورزیدید. ولی هرگاه کسانی به او شرک می آورند در برابر ایشان تسلیم بوده و به آنان ایمان می آوردید و هم عقیده می شدید».

^۱ مفردات راغب، قاموس قرآن ذیل کلمه غساق

^۲ لثالی جلد ۵، ص ۱۳۶

^۳ سوره مؤمن، آیه ۱۱

در پایان خداوند برای آن که این تاریک دلان مشرک را برای همیشه مأیوس کند می‌افزاید «حاکمیت و داوری امروز مخصوص خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است» و راه بازگشتی برای شما نیست!^۱

۲. تقاضای دوم این که: «وقتی مجرمان، صحنه های مختلف قیامت را مشاهده کنند، سخت پشیمان شوند و در حالی که سر به زیر هستند با کمال شرمندگی می‌گویند:

«پروردگارا! آن چه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم، الان پشیمانیم، خدایا! ما را به دنیا بازگردان تا عمل صالح بجا آوریم، ما به قیامت یقین داریم»^۲.

اما فوراً دست رد به سینه ی آنان زده شود و به ایشان این پیام تکان دهنده را می‌دهند: «چنین چیزی محال است. همان گونه که بازگشت نوزاد به رحم مادر و میوه جدا شده از درخت به درخت ممکن نیست بازگشت شما هم به دنیا امکان پذیر نیست؛ زیرا دوران انجام دادن عمل صالح پایان گرفته است.»

«آیا شما ها نبودید که در گذشته سوگند یاد می‌کردید، هرگز زوال و فناپی برای حیات و قدرت شما نیست»^۳.

۳. تقاضای دیگر این که: «وقتی اهل دوزخ نتیجه ی اعمال بد و ناشایسته ی خود را مشاهده کردند، در ندامت عمیقی فرو رفته و از عمق جان، فریاد می‌کشند، و تقاضای چیز محالی را از خداوند می‌کنند و می‌گویند:

«پروردگارا! ما را از این جا خارج کن تا عمل صالحی به جا آوریم»^۱ غیر از آن چه تا حال انجام می‌دادیم».

^۱ اقتباس از سوره مؤمن، ۴۰، آیه ۱۲

^۲ اقتباس از سوره سجده، ۳۲، آیه ۱۲

^۳ اقتباس از سوره ابراهیم، ۱۴، آیه ۴۴

خداوند در برابر این تقاضا، یک پاسخ قاطع به آنان می دهد و می فرماید:

«آیا به مقدار کافی برای بیداری و تذکر و به فکر افتادن، به شما عمر ندادیم؟!»

آیا بیم دهنده ای از جانب خداوند، به سراغ شما نیامد؟ آیا پیامبرانی یکی بعد از دیگری برای ارشاد و راهنمایی شما نفرستادیم؟ پس بچشید عذاب دوزخ را که برای ستم گران یار و یابوری نیست مگر عذاب و آتش جهنم»^۲.

۴. دوزخیان برای جلب رحمت پروردگار، به گناهان خود اعتراف کرده و بعد از آن می گویند: «ای پروردگار مهربان! شقاوت و بدبختی، بر ما چیره شد، ما قوم گمراه و ستم گری بودیم. پروردگارا! ما را از این آتش سوزان بیرون بر و به دنیا بازگردان، تا عمل صالحی انجام دهیم. اگر بار دیگر برنامه های سابق را تکرار کردیم ما قطعاً ستم گر خواهیم بود»^۳.

خداوند قهار، با قاطعیت تمام به آن ها پاسخ می دهد و می گوید: «ای سگ های نجس! دور شوید و همچنان در آتش دوزخ بمانید، خاموش شوید و با من سخن مگویید!»

آیا فراموش کرده اید که بندگان خالص و مؤمن، وقتی از من طلب رحمت و مغفرت می کردند آنان را به باد مسخره می گرفتید، به ایشان می خندیدید، بر سخنان و عقاید، رفتار و کردارشان پوزخند می زدید؟ امروز شما در بدترین حالات و دردناک ترین عذاب گرفتارید و کسی به فریاد شما نخواهد رسید^۴.

۵. وقتی مجرمان در آتش دوزخ قرار گرفتند و یقین به عذاب پیدا کردند، برای نجات خود از آتش جهنم به هر دری می زنند. اما همه ی فرشتگان و شفاعت کنندگان دست رد به سینه هایشان

^۱ سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰

^۲ سوره فاطر، ۳۵، آیه ۳۸

^۳ سوره مؤمنون، ۲۳، آیه ۱۰۷-۱۰۹

^۴ سوره مؤمنون، ۲۳، آیه ۱۰۸-۱۰۹

نهاده و آنان را طرد می کنند! هنگامی که دست آنان از هر کس و هر کجا و هر وسیله ای کوتاه شد و یقین به عذاب دائمی خود نمودند، رو به خازنان دوزخ و مأموران عذاب کرده و از آنان تقاضای محالی می کنند.

دوزخیان مجرم به خازنان و موکلین جهنم می گویند: شما از پروردگارتان بخواهید یک روز فقط یک روز عذاب را از ما بردارد.

ولی مراقبان دوزخ بلافاصله در جوابشان می گویند: «آیا پیامبران با دلایل روشن به سراغتان نیامدند؟ آیا به قدر کافی برای شما اتمام حجت نشد؟» آنان در پاسخ گویند: «آری، آمدند و اتمام حجت نمودند»^۱.

سپس خازنان دوزخ به آنان می گویند: «حال که چنین است هر چه می خواهید دعا کنید، اما بدانید دعای کافران به جایی نخواهد رسید»^۲.

بهشت

آن جا بساط با عظمتی است که میزبان آن، ذات مقدس واهِبُ العَطایا و میهمانان آن، پیغمبران بزرگ و اولیای خدا و ائمه ی هدی سلام الله علیهم اجمعین، شهدا و صالحان، صدیقان و فرشتگان مقرب الهی و بالاخره بندگان خاص خداوند می باشند.

آن جا خوان کرمی است که حضرت اکرم الاکرمین آن را گسترده و مجمعی است که مرکز تابش انوار الهی می باشد.

آن جا منزلگاه باقی و همیشگی، جایگاه سلامت و امنیت، فرود آمدن روح و ریحان، محل خرمی و خوشحالی و جایگاه رضوان خداوندی می باشد.

^۱ سوره مؤمن، ۴۰، آیه ۵۰

^۲ سوره مؤمن، ۴۰، ۵۰

باز شدن در های بهشت

گفته شده است که برای بهشت در های متعددی وجود دارد؛ موقع داخل شدن نیکان در بهشت، آن درها به خودی خود به روی آنان باز می شود.^۱

قرآن کریم سرنوشت متقین را چنین بیان می کند:

«برای پرهیزگاران عاقبت نیک و بازگشت نیکویی است و بازگشت آنان به باغ های جاویدان بهشت خواهد بود که تمام درهایش به روی آنان گشوده می شود».^۲

این آیه شریفه با صراحت تمام بیان می کند که: «برای متقین و بهشتیان، حتی زحمت گشودن و باز نمودن در ها وجود ندارد، گویی بهشت در انتظار آنان است! هنگامی که چشمش به متقین می افتد آغوش باز کرده و ایشان را به درون خود دعوت می نماید!».

بعد از آن که درهای بهشت، خود به خود به روی نیکوکاران باز می شود فرشتگان و حورالعین جهت احترامی که مخصوص آنان است، ایشان را برای آرامش و استراحت، به آن باغ ها و کاخ ها و منزل هایی که برایشان آماده کرده اند هدایت می کنند.

باغ های بهشت

برای مقربان و مؤمنان و تمام کسانی که از دستورات خداوند متعال و پیامبرانش پیروی کرده و اعمال صالح انجام داده اند، مزد و پاداشی در نظر گرفته شده است که در قیامت به آنان عنایت می شود. آن پاداش ها عبارتند از: کاخ ها و باغ ها، میوه ها و نهرها، تخت ها و حورها که در بهشت برای آنان آماده شده است.

^۱ کنز العمال، جلد ۱۴، ص ۴۵۷ و آثار الصادقین، جلد ۲، ص ۳۵۰

^۲ سوره ص، ۳۸، آیه ۴۹-۵۲

بهشت ها بر حسب اعمال بنده گان متفاوت است، افرادی که اعمال بهتر و بیشتری دارند بهشت ها و نعمت های آنان بهتر و بیشتر و کسانی که اعمال کمتر و جدّیت کمتری دارند، بهشتشان از نظر رتبه و مقام پایین تر است.

اما باغ ها و بوستان ها و بهشت هایی که نام آن ها در قرآن کریم آمده است از این قراراند.

۱. بهشت عدن

بهشت عدن در وسط بهشت های دیگر قرار گرفته است، دو چشمه آب خوش گوار از آن بیرون می آید و به بهشت های دیگر روان می شود.

یکی از آن دو، چشمه ی «تَسْنِیم» است که با چیز دیگری مخلوط نیست و آب آن گواراترین نوشیدنی ها می باشد و مخصوص مقربین است.

دوم چشمه ی «سلسبیل» است و آب آن از جهت گوارایی و صافی و زلالی بی مانند می باشد، آن گونه که نمی شود آن را وصف کرد. آب آن چشمه در تمام منزل های بهشتیان جاری است.

از ویژگی های «بهشت عدن» این است که در زیر قرار دارد و اطراف آن از درختان پرمیوه پوشیده شده است. قصر های آن را از دُرّ و یاقوت و طلا ساخته اند و بوی بسیار خوشی از آن می وزد که مقربان و مؤمنان کمال لذت را از آن می برند. در آن، تپه هایی از مشک و عنبر موجود است و نزدیک ترین بهشت به عرش الهی می باشد.

۲. بهشت فردوس

دومین بهشت از نظر رتبه و مقام و فراوانی نعمت ها، «بهشت فردوس» است که از بهترین و عالیترین و با فضیلت ترین بهشت ها می باشد. در آن، باغ مخصوصی است که تمام نعمت ها و

مواهب الهی در آن جمع است. می توان آن را «بهشت برین» نامید، درختان میوه و انگور تمام آن را پوشانده است و مخصوص افراد با ایمان می باشد. البته آن مؤمنانی که از نظر ایمان و عمل صالح در درجه والایی قرار گرفته اند، آن مؤمنی که به تمام درجات ایمان قدم گذاشته و مراحل عالی آن را طی نموده باشد.

۳. جَنَّةُ النَّعِيمِ

سومین بهشتی که خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است: «جَنَّةُ النَّعِيمِ» می باشد و آن بهشتی پر از نعمت است، نعمت های مادی و معنوی در آن موج می زند، نعمت هایی که نه تمام می شود و نه برای بهشتیان خسته کننده است، نعمت هایی که انسان هر وقت اراده کند در برابر او حاضر می شود، و از هر چه و هر گونه نعمتی که بخواهد در آن موجود است، نعمت هایی که برای ما انسان ها تا زمانی در دنیا زندگانی می کنیم قابل درک نیست، آن نعمت ها تا به حال نه به خاطرمان خطور کرده و از مغزمان گذشته، و نه چشم هایمان دیده، و نه گوش هایمان شنیده است.

«جَنَّةُ النَّعِيمِ» مخصوص مقربون، مخلصون، متقون، مؤمنون و نیکوکاران است.

۴. دَارُ السَّلَامِ

«دارالسلام» یعنی خانه امن و امان از عذاب الهی، خانه صلح و سلامت و امنیت.

ممکن است سلام، اسم خدا باشد و از اسماء حسنا به حساب می آید؛ زیرا در آخر سوره حشر که بعضی از اسامی خدا را ذکر می کند می فرماید:

«السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ» طبق این قول «دارالسلام» یعنی خانه خدا. چرا

یکی از نام های خدا سلام است؟ علتش آن است که او بدون عیب و نقص است و سالم از بلاها و

آفت ها می باشد و شاید به این جهت بوده که بندگان از ظلمش سالم اند. کلمه ی «دارالسلام» دو مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است.

از ویژگی های «دارالسلام» این است، آنان که داخل آن می شوند پیر نمی شوند، اعضا و جوارحشان سست نمی گردد، مرگ به سراغشان نمی آید، حالشان تغییر نمی کند. در آن جا نه جنگ و خون ریزی است، نه نزاع و دعوا، نه خشونت، نه رقابت های کشنده و طاقت فرسا، نه دروغ و افتراء نه تهمت و حسد و کینه و نه غم و اندوه و ساکنین آن جا از هر جهت در آرامش و امنیت و رفاه کامل می باشند.

۵. بهشت جاوید

افراد مؤمن و باتقوا، بعد از آن که وارد صحرای عرصات شدند، در دادگاه قیامت حاضر می کنند و پرونده اعمالشان را با سرعت مورد مطالعه قرار می دهند! اگر آن را پاک و خالی از گناه مشاهده کردند، دستور می دهند آنان را به جایی که پروردگار عالم برایشان خلق کرده و به سوی چیز هایی که ایشان ذخیره نموده و به سوی مهمان خانه ای که انواع پذیرایی ها و اقسام نعمت ها و لذت ها که در خور بزرگی صاحب خانه و خداوندی است و برای آنان تدارک دیده اند ببرند. برای اهل این عالم درک و فهم و تصور آن همه نعمت ها و لذت ها محال است!

میوه های بهشتی

یکی از الطاف و نعمت های الهی که روز قیامت شامل حال بهشتیان می شود و ایشان از آن استفاده می کنند، میوه های بهشتی است.

خداوند متعال در چند جای قرآن از آن ها نام برده است، در بعضی از آیات به عنوان میوه آورده شده و در بعضی آیات میوه ها را با نام خودشان ذکر کرده است. در آن جا که میوه ها را با نام ذکر کرده است گفته شده آن ها منافع بیشتری برای انسان دارند.

نام آن میوه هایی که با صراحت در قرآن کریم آمده و جدا جدا ذکر شده است، عبارتند از خرما و انار.

خصوصیات میوه های بهشتی

میوه ها و درختان بهشتی خصوصیتی دارند که درختان و میوه های دنیا آن ها را ندارند. از جمله آن ها که در قرآن کریم با صراحت بیان کرده، این است که می فرماید: «**قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ**»^۱

۱. میوه های بهشتی در دست رس افراد قرار می گیرد، حتی وقتی انسان اراده استفاده از آن میوه ها را نماید، آن ها خود به خود نزدیک دهان آنان شده و هنگامی که انسان دهان خود را باز نماید داخل آن می شوند.

۲. وقتی دست انسان هنگام چیدن، با آن ها برخورد کرد به آسانی از جای خود کنده می شوند.

۳. درختان بهشتی مانند بعضی از درختان دنیا، خار ندارند که موقع چیدن به دست یا بدن فرو رفته و آن را مجروح کند.

۴. میوه های بهشتی با بهشتیان سخن می گویند و با آواز خوش با آنان ندا می کنند و می گویند: «ای دوست خدا به م توجه نما، اول از من تناول کن و بعد از میوه های دیگر».

۵. وقتی آن میوه ها چیده شوند فوراً به جای آنان چندین برابر میوه به درختان پیدا می شود.

۶. شاخه های درختان بهشتی به فرمان انسان اند! هر وقت او اراده کند از شاخه ی مخصوصی میوه ای بچیند آن شاخه به آسانی در جلو او قرار می گیرد.

۷. میوه های بهشتی مانند میوه های دنیا نیستند که هر کدام یک بو و یک طعم و یک رنگ داشته باشند، بلکه یک دانه میوه ی بهشتی صد ها بو و طعم و رنگ دارد.

۸. درختان بهشتی مانند درختان دنیا نیستند که یک درخت یا یک شاخه یک نوع میوه بدهد، بلکه یک درخت یا یک شاخه صد ها نوع میوه می دهد.

^۱ سوره الحاقه، ۶۹، آیه ۲۳

۹. میوه های بهشتی مانند میوه های دنیا نیستند که انسان اگر مقداری از آن ها را خورد سیر شود، بلکه انسان هر چه از آن ها بیشتر بخورد، لذت بیشتری می برد.
۱۰. میوه های بهشتی مانند میوه های دنیا نیستند که هسته و پوست و فضولات دیگر داشته باشند. بلکه آن ها نه هسته و نه پوسته و نه فضولات دارند!

چشمه های بهشت

در بهشت آشامیدنی ها و آب ها و نهرها و چشمه های زیادی وجود دارد که آن ها برای مؤمنان حقیقی آماده شده است. خداوند متعال بعضی از آن ها را در قرآن مجید ذکر فرموده است و آن ها عبارتند از:

۱. چشمه مُطَهَّرَه

آب این چشمه به آن چیزهایی که آب های دنیا به آن آلوده می شود آلوده نمی شود یا شرابش مانند شراب های دنیا مست کننده و ناپاک نمی باشد.

امام صادق (ع) نیز در این باره فرمود: «وقتی بهشتیان از آن شراب آشامیدند، قلب آنان از همه چیز، پاک می شود مگر از عشق به خدا، که علاقه ی به او قلب انسان را پر از نور و صفا نموده است»^۱.

۲. نهر های شراب

غیر از این چشمه ی شراب پاک، نهر های شراب دیگری هم در بهشت جاری است و نیکان از آشامیدن آن ها لذت می برند. این نهرهای شراب مستی نمی آورد و دردسری برای مؤمنان ندارد، بوی بد نمی دهد و لذتی از آشامیدن آن برای ایشان پیدا می شود که نمی توان وصف کرد!

^۱ تفسیر صافی، جلد ۲، ص ۷۷۴

۳. زنجبیل

یکی دیگر از آب های بهشتی، زنجبیل است. زنجبیل نوشابه ی مقربان است. خدمت گذاران بهشتی بدون آن که زنجبیل را مخلوط به چیز دیگری کنند خالصش را به مقربان می نوشاند! طعم و بوی زنجبیل عطر آگین است و از آن، به افراد بهشتی می نوشاند، البته طعم و مزه آن مانند زنجبیل دنیا و قابل قیاس با آن نیست.

۴. چشمه ی سلسبیل

دیگر از چشمه های بهشت، چشمه «سلسبیل» است که زنجبیل از آن جریان دارد. «سلسبیل» به معنی چیز بسیار نرم و صاف و گوارا و زلال آمده است، خوردن آن سریع و راحت و به آسانی از گلو پایین می رود، آب این چشمه در تمام راه ها و خیابان ها و منزل ها و قصر های بهشت جاری است. سر چشمه آن زیر عرش است و از آن جا به بهشت عدن می آید و از آن جا تقسیم شده و به تمام بهشت های دیگر جاری می گردد.^۱ طعم آن مانند زنجبیل و سردی آن مانند کافور و بوی آن مانند مشک و عنبر است.

۵. چشمه ی کافور

چشمه ی کافور یک دیگر از چشمه های بهشت است. عطا می گوید: «کافور اسم چشمه ای در بهشت است که بوی آن از بهترین بوها می باشد و عده ی خاصی فقط می توانند از آن استفاده کنند و آن ها نیکوکاران می باشند».^۲

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۱

^۲ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۰۷

۶. چشمه تفجیر

یکی دیگر از چشمه ها، چشمه ی «تفجیر» است. این چشمه در خانه ی پیامبر اسلام (ص) است و از آن جا جوشش و جریان پیدا کرده و به خانه های پیامبران دیگر و نیکان و مؤمنان جاری می شود.^۱

یکی از خصوصیات آن، این است که مطیع افراد بهشتی است. هر کجا بخواهند آن را با خود می برند و در هر قصر و منزلی جاری می گردد!

۷. چشمه تسنیم

«تسنیم» هم از چشمه های بهشت می باشد. «تسنیم» از بهترین چشمه ها و گواراترین نوشیدنی های بهشت است و این مخصوص عده ای می باشد از جمله مقربین، پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنان (ع) و ائمه اطهار (ع) و خدیجه و آنانی که در ایمان از ایشان پیروی کرده اند.

این چشمه از بالاترین مکان های بهشت عدن مانند آبشار در هوا جریان دارد و مؤمن هر کجا اراده نوشیدن کند آب آن داخل ظرف های بلورین ریخته شود و به دست او داده می شود.^۲

آن با شراب ناب ترکیب شده است و بوی آن مانند بوی مشک و عنبر است.

۸. چشمه کوثر

یکی از مهمترین و معروفترین چشمه های بهشت، چشمه ی «کوثر» است. از ویژگی های آن، این است که آب آن از زیر عرش الهی جاری می شود و از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است.

^۱ برهان، ج ۴، ص ۴۱۳

^۲ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۵۶

سنگ ریزه های داخل آن، از زبرجد و یاقوت و مرجان می باشد، گیاهان اطراف آن زعفران و خاک آن از مشک خوش بوتر و منبع آن از زیر عرش الهی است.

۹. مَعین

یکی دیگر از آب های خوش گوار و لذت بخش بهشت «مَعین» است.

هر لحظه آنان اراده آشامیدن آب کنند از پیمانه ی آن، سیراب شده و در عالمی از نشاط و معنویت فرو می روند. خدمت گذاران بهشتی ظرف هایی از آب مَعین در اختیار دارند و به دست مؤمنان می دهند که در سفیدی مانند برف است.

۱۰. نهر های فراوان آب

نهر های فراوانی در بهشت وجود دارد که در خیابان ها و از زیر درختان و کاخ های بهشتیان در جریان است. نهرها و آب های بهشتی مانند آب های دنیا نیستند، که اگر مدتی راکد بماند، تغییر کرده و بوی لجن دهند، و حشرات گوناگونی در آن ها پیدا شود بلکه آن ها اگر میلیون ها سال هم، راکد بمانند هیچ تغییری در بو و رنگ و طعم و مزه ی آن ها نمی کند.

۱۱. نهر های شیر

در بهشت غیر از نهر های آب نهرهایی از شیر وجود دارد که مانند نهر های آب، در کاخ ها و باغ های بهشتیان در جریان است.

۱۲. نهر های عسل

علاوه بر وجود نهر های آب و شیر نهر هایی از عسل مصفی هم در بهشت جاری است. عسل بهشت مانند عسل دنیا نیست که اگر انسان قدری زیدتر مصرف کرد، بدنش گرم، حالش منقلب و گلوش سوزش پیدا کند. عسل بهشتی ناراحتی های عسل دنیا را ندارد.

۱۳. نهر رحمت

امام صادق(ع) در خبر معراج از حضرت رسول اکرم(ص) نقل می کند که فرمودند: «وقتی از بیت المعمور خارج شدم دو نهر از برای من ظاهر شد، یکی کوثر و دیگری رحمت، از نهر کوثر نوشیدم و در نهر رحمت غسل کردم»^۱.

۱۴. چشمه ی حیات

این چشمه، از طرف چپ درخت طوبی بیرون می آید. کسانی که داخل بهشت می شوند، در آن غسل می کنند در اثر آن، حیات و زندگی جاوید را به دست می آورند و دیگر پیر نمی شوند و نمی میرند.^۲

۱۵. نهر جعفر

امام موسی کاظم(ع) درباره ی نهر جعفر فرموده است: «در بهشت نهری است به نام جعفر، در طرف راست آن، دُرّ سفیدی وجود دارد که در آن هزار قصر و در هر قطری، هزار قصر دیگر برای محمد و آل محمد(ص) وجود دارد، و در طرف چپ آن، دُرّ زردی می باشد که در آن هزار قصر و در هر قصری، هزار قصر دیگر برای ابراهیم و آل او بنا شده است.

۱۶. نهر خیر

امام صادق(ع) در این باره فرموده است: «کوثر از ساق عرش بیرون می آید و نهر خیر از کوثر جدا می شود و شعبه ای از آن است و در اطراف آن به جای درختان، دختران زیبا و باکره می روید! نام آن «خیر» است»^۱.

^۱ بحار، ج ۸، ص ۱۲۳^۲ بحار، ج ۸، ص ۱۲۳

۱۷. نهر رجب

امام موسی کاظم (ع) درباره ی خصوصیات آن فرموده است: «رجب نهری است در بهشت که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است، کسی که ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند متعال از آن نهر به او می آشامد و او را سیراب می کند»^۲.

۱۸. نهر افلج

حضرت رسول اکرم (ص) درباره خصوصیات آن فرموده است: «در بهشت نهری است به نام «افلج»، خداوند متعال در اطراف آن دختران زیبا و خوش صورتی از زعفران خلق کرده، رنگ صورت آنان از درّ و یاقوت زیبا تر است. ایشان با هفتاد هزار صوت، تسبیح خدا می گویند، صوت آنان از صوت حضرت داود (ع) زیبا تر است.

۱۹. رحیق مختوم

آن شرابی خالص و بی غش، سفید و خوش بو می باشد و ظرفی که شراب در آن است به وسیله ی مسک، مهر شده است. آن ظرف را بدان جهت، مهر کرده اند تا اهل بهشت فکر نکنند دست کسی به آن رسیده است. نیکوکاران خودشان مهر آن را برداشته و استفاده می کنند. این شراب مهر و موم شده غیر از شراب ها و آشامیدنی های دیگر بهشت است.

^۱ بحار، جلد ۸^۲ بحار، جلد ۸، ص ۱۵۷

نتیجه گیری

ما از این تحقیق نتیجه گرفتیم که جهان آفرینش هدفدار است. اگر انسان با مرگ نابود می شد، تلاش و تکاپوی همه ی موجودات جهان بیهوده بود. اما خدا این جهان را بیهوده و بی هدف نیافریده است. مرگ انسان را نابود نمی کند، بلکه مرگ یک انتقال است و انسان از این جهان به جهان آخرت منتقل می شود و نتیجه ی کامل کارهای خود را می بیند. بهشت و جهنم، آخرین منزل و مکان پاداش دادن نیکان و جزا دادن منحرفان و بدان است. بعد از آن که انسان عالم برزخ را طی کرد و در صحنه ی قیامت حاضر گردید، او را به دادگاه بزرگ آن روز می کشانند و طبق شهادت گواهان محاکمه می کنند.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، تهران، شمشاد
- ۲- شهید محراب آیة الله دستغیب سید عبدالحسین، معاد، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، بهار ۱۳۷۵
- ۳- محمدی حسین، داستان هایی از عذاب قبر، انتشارات ملینا، سال ۱۳۸۶
- ۴- قرائتی محسن، معاد، دفتر انتشارات اسلامی
- ۵- ناصری محمود، بحار الانوار جلد سوم
- ۶- صالحی حاجی آبادی، نعمت اله، انسان از مرگ تا برزخ
- ۷- غفار زاده سعید، راز های رستاخیز، انتشارات قلم
- ۸- عسکری راد حسن، شبی در برزخ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- ۹- آیت الله فقید رفیعی قزوینی حاج ابوالحسن، زندگی پس از مرگ، نشر حدیث امروز
- ۱۰- نظری منفرد، علی، معاد، انتشارات دارالفکر، بهار ۱۳۸۳
- ۱۱- نهج البلاغه، انتشارات گلستان کتاب، سال ۱۳۸۰
- ۱۲- ابرقوئی روح الله، سیاحت در قیامت، انتشارات مشهور، سال ۱۳۸۰
- ۱۳- علامه طباطبایی (ره)، تفسیر المیزان جلد ۱۸، انتشارات اسلام

۱۴- الحریزی عبدالله بن ج العروسی، ترجمه رسولی محلاتی هاشم، نورالثقلین، دارالکتب علمیه قم

۱۵- صالحی حاجی آبادی نعمت الله، انسان در بهشت و دوزخ، انتشارات گل های بهشت، پاییز ۱۳۸۶

۱۶- آیت الله علم الهدی، معاد و عدل یا مراحل نهایی بشر، مؤسسه مطبوعاتی افتخاریان

منابع اینترنتی

۱- سایت ویکی پدیا، دانش نامه آزاد www.fa.wikipedia.com

۲- سایت هیأت مرکزی گزینش www.selection.mohme.gov.ir

۳- پایگاه علمی جهاد دانشگاهی www.sid.ir

۴- وبلاگ معجون www.rezapci.blogfa.com

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
لِلَّهِمَّ عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجُ

اللهم عجل لوليک الفرج